

ارشاد یا ممانعت؟

«جرم»، «ورود آقایان ممنوع» و تعریف محافظه کاری

چاپ شده در: روزنامه روزگار

زمان انتشار: خرداد ماه ۱۳۹۰

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" و در همین دوره کوتاه چاپ این مطلب، "روزگار" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

*

*

اواخر دوران کودکی و اوایل نوجوانی، هرگز در نمی یافتم چرا واژه «محافظه کار» برای توصیف و شناسایی همان گرایش و حزب سیاسی به کار می رود که از سوی دیگر، عنوانش در ادبیات سیاسی و فرهنگی ما، «اصولگرا»ست؟! این دو که به طور کلی در تعارض با یکدیگرند! مگر معنای لغت نامه ای «محافظه کاری»، اهل محاسبه بودن و ترس داشتن و احتیاط کردن نیست؟ و مگر ایستادن پای اصول، مقاومت و شهامت و حتی سماجت نمی طلبد؟ چه طور می شود این هر دو برای نامگذاری یک نگرش و رویکرد به کار روند؟

بعدها در رفتار و گفتار سیاسی افراد منتسب به این تفکر در نمونه های وطنی، دلایل این تناقض تاریخی را به شکل های مختلف، از جمله با سیلی هایی که از فرط حیرت به صورتم کوفته شد، حس و لمس کردم. نمونه های متأخری را خدمت تان عرض می کنم تا شما هم به بیخ ماجرا پی ببرید: وقتی به مفهوم لغت نامه ای واژه «ارشاد» نظر می افکنیم، به تعبیری همچون «راه نمودن، راه نمایی و به سامان آوردن» برمی خوریم و تا واپسین معناهای ضمنی و فرعی هم نشانی از ممانعت و نهی و سدسازی و ایجاد محدودیت نمی بینیم. اما عملکرد وزارتخانه ای که در کنار واژه وزین «فرهنگ»، همین کلمه یعنی «ارشاد»

را بر تارک خود دارد، بیش از هر چیز به همان جلوگیری و محدوده گذاری محدود و منحصر می شود. و دیگر آن که تمامی معیارهای این عملکرد به همان «محافظه کاری» صرف و گاه شگفت آور متکی است. آن دو نمونه متأخر به این شرح اند:

۱- اوزارت ارشاد از ابتدای مرحله صدور پروانه ساخت فیلم «جرم» مسعود کیمیایی، شرط کرد که زمان وقوع داستان برخلاف طرح و فیلمنامه اولیه، به سال های پیش از انقلاب برگردد. این «احتیاط» در نزد دوستان شورای پروانه ساخت و اداره نظارت و ارزشیابی همچنان به این نکته برمی گردد که سینما و لایه ها و شیوه هایش برایشان از روز شروع صدارت و کرسی نشینی اداری در ساختمان میدان بهارستان آغاز می شود و چیزی تحت عنوان «تاریخ سینما» برایشان مصداق ندارد. عرض می کنم که در گوشه های پاک و پرنوری از این تاریخ سینما، فیلم هایی ساخته شده اند که داستان شان در یک دوران می گذرد و «نشانی» های دورانی دیگر - معمولاً زمان ساخته شدن شان - را می دهند. نمونه متعالی اش شاهکار داجتماعی - انتقادی باب فاس یعنی «لنی» (۱۹۷۴) با بازی رشک انگیز داستین هافمن به نقش شومن بددهن دهه ۱۹۵۰ یعنی لنی بروس است که در ابتدای تیتراژ خود می آورد: «آن چه زمانی لنی بروس بابت به کار بردنش در گفتار شوهای خود به دادرسی فراخوانده شد، امروز (یعنی در دهه ۱۹۷۰) بخشی از ادبیات همگانی جامعه به حساب می آید». حالا که آدم های فیلم «جرم» در سال های انتهایی دوران شاه به هم می گویند که قبلاً با هم «جنگ و جبهه» بوده اند، حالا که نشانه های آشکار این دوران در گوشه و کنار خیابان های فیلم به عمد پراکنده شده اند (و علی معلم در پاسخ به فراستی چه هوشمندانه به این نکته اشاره کرد که سوتی گرفتن این اجزا خود سوتی بزرگ تری است)، ضرب امروزین «جرم» و چرخش قهرمانش، به روشنی «طنین» حادثری یافته؛ بس حادثر از آن که احیاناً ارشاد می گذاشت داستانش در همین زمانه بگذرد و مثلاً همچون «اعتراض» (۱۳۷۸) به طور مستقیم نظریه سیاسی صادر می کرد. و در نتیجه، اثربخش تر.

۲- این که گفتیم، پسزمینه ای سیاسی دارد و از مجموعه ای محافظه کار البته انتظار می رود. ولی این یکی که هیچ وجه سیاسی که هیچ، حتی چالش ایدئولوژیک هم در پس اش نیست، از عمق مفهوم «محافظه کاری» به شکلی شدیدتر از گرایشی سیاسی در وزارتخانه مورد اشاره خبر می دهد: دوستان ما پیشنهاد تهیه کننده و پخش کننده فیلم «وورد آقایان ممنوع» رامبد جوان مبنی بر این که یک هفته اول اکران فیلم فقط بلیت فروشی برای خانم های تماشاگر صورت بگیرد را قویاً رد کرده اند. این شبهه که تمهید تبلیغاتی هوشمندانه صاحبان فیلم همسو با داستان و درونمایه محوری آن می توانسته فروش آن را به طرزی تصاعدی افزایش دهد و دوستان از این اتفاق دل خوشی نخواهند داشت، به گمانم قابل طرح نیست. البته اگر ژورنالیسم ما اندکی سرحال تر و جنم دارتر بود، به جای قیاس بی ربط «اخراجی ها ۳» و «جدایی نادر از سیمین» که حتی با ذکر عبارت «بلا تشبیه» هم کنار هم نمی نشینند، فیلم رامبد را رقیب جدی شبه کمدی «شهرستان-برفوش» ایام عید می کرد و در این زمینه حتی می شد به تفاوت «کمدی» درست و متکی به داستان و دیالوگ و طعنه و شخصیت سازی در این فیلم با آن قلقلک های سطحی متکی به شبه شوخی های گوارشی در آن یکی اشاره کرد. اما محافظه کاری دوستان ما عامل قوی تری است تا این جلوگیری از رقابت. این محافظه کاری، این بار، صرفاً در برابر نوآوری در روش پخش فیلم احتیاط کرده است. توضیح این که با شکل گیری این روش، از چه می ترسیده اند، خود ذهنی همتای ذهن محتاط دوستان می طلبد که عجالتاً زیر این محفظه سر طاس بنده، یافت نمی شود و درکی از آن ندارم.